



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گوشش کن و بگو



قصه‌ی «حماسه‌ی هُرمز» را با دقت گوش دهید و سپس درباره‌ی پرسش‌های زیر گفت‌وگو کنید.

پرسش‌ها

- ۱ داستان با چه واقعه‌ای شروع می‌شود؟ حمله لشکر مغول
- ۲ شخصیت اصلی داستان که بود و چند پسر داشت؟ هرمز، دهقانی شجاع بود و او ۳ پسر جوان داشت.
- ۳ اولین سواری که به کلبه نزدیک شد، که بود؟ یدیه بان شهر
- ۴ لشکریان مغول چه زمانی به کلبه رسیدند؟ هنگام غروب
- ۵ نام فرمانده مغولان چه بود؟ قاجان
- ۶ مغولان برای بیرون کشیدن پیرمرد و پسرانش از کلبه به چه کاری دست زدند؟ کلبه را آتش زد
- ۷ پیرمرد در آخرین لحظه‌ی زندگی چه گفت؟ پیروز باد ایران





حکایت

انواع مردم



گروه

آگاه باش

بدان که مردم از سه جنس اند:

بعضی چون غذا هستند که وجودشان برای ما لازم است
و بعضی چون دارو هستند که فقط گاهی به آنها نیاز داریم
و برخی دیگر مانند بیماری هستند که ما هرگز به آنها نیاز نداریم ولیکن گاهی
رفتارشان می‌شویم که در چنین هنگامی باید صبر و تحمل داشته باشیم تا به سلامت
از دست آنها، رها شویم.

هم خانواده ها

نیاز ← نیازمند-بی نیاز

صبر ← صابر-صبور

تحمل ← حامل-حامل

سلامت ← تسلیم-تسلیم

سعادت ← سعید-مسعود

لازم ← لزوم-لازمه



پایان تدریس گوش کن و بگو

